تاریخ سیاست

شکستن بال دوم اصلاحات

به بهانه بیست و چهارمین سالگرد توقیف فله‌ای مطبوعات

منصوره محمدی
خبرنگار گروه سیاسی

فروردین و اردیبهشت سال ۱۳۷۹، روزهای اوج فعالیت سیاسی و مطبوعاتی اصلاح‌طلبان و حضور آنها در قدرت بود؛ هم دولت را در دست داشتند و هم کرسی‌های مجلس ششم و اکثر شوراهای شهر و روستا را با اقتدار از آنِ خود کرده بودند و تازه چندی از ترور سعید حجاریان از تئوریسین‌های اصلاح‌طلبان و عضو شورای شهر تهران می‌گذشت که کنفرانس سه‌روزه‌ای با نام «ایران پس از انتخابات» مشهور به «کنفرانس برلین» از سوی حزب سبزهای آلمان و به دعوت بنیاد هاینریش بل برگزار شده بود. این کنفرانس فرصتی بود تا مدعوین دیدگاه‌های سیاسی خود را با جهانیان به اشتراک بگذارند اما نگرانی‌هایی هم برای جریان تندرو داخل به حساب می‌آمد و هم حزب چپ کارگر و سلطنت‌طلب‌های خارج‌نشین به آن انتقادهای شدیدی داشتند. عزت‌الله سحابی، اکبر گنجی، یوسفی اشکوری، کاظم کردوانی، علیرضا علوی‌تبار، حمیدرضا جلایی‌پور، چنگیز پهلوان، فریبرز رئیس‌دانا، علی افشاری، محمود دولت‌آبادی، مهرانگیز کار، شهلا شرکت، شهلا لاهیجی، منیرو روانی‌پور، جمیله کدیور، خدیجه مقدم و محمدعلی سپانلو ۱۷ تن از شخصیت‌های سیاسی، مطبوعاتی، علمی و ادبی ایران بودند که به این کنفرانس دعوت شدند. افرادی که رسانه‌های داخلی غیراصلاح‌طلب و نزدیک به هسته سخت قدرت، آنها را عمدتاً با گرایش‌های سکولار معرفی کرده بودند. مرتضی غرقی، خبرنگار جمهوری اسلامی که فیلم کنفرانس برلین را به تهران مخابره کرد، هدف از برگزاری این نشست را اینگونه مطرح کرده بود که «می‌خواستند این‌گونه القا کنند که مردم در ایران بعد از انتخابات سال ۷۶ با توجه به آغاز دوره اصلاحات از حکومت مذهبی بیزار شده و یک رفرمی را برای تغییر حکومت به سوی سکولاریسم آغاز کرده‌اند.» اما کاظم کردوانی یکی از مدعوین به این نشست، شرکت‌کنندگان را در سه جریان طبقه‌بندی کرد: «ما سه جریان بودیم. یک جریان اصلاح‌طلبان دینی درون حکومت، نظیر آقای گنجی، آقای جلایی‌پور، آقای علوی‌تبار. یک جریان اصلاح‌طلبان دینی خارج از حکومت، مثل آقای سحابی و آقای اشکوری و یک جریان سکولارهای مخالف خشونت و طرفدار مبارزه مسالمت‌آمیز که با اصلاح‌طلبان داخلی هم به نوعی همراهی می‌کردند.» کنفرانس با حاشیه‌های بسیار فراوان در روزهای ۱۹ تا ۲۱ فروردین برگزار شد، سلطنت‌طلب‌ها و مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران شاکی از دعوت این چهره‌ها در چنین جلسه‌ای بودند و برای برهم زدن آن تلاش بسیار کردند و تصاویر مخابره‌شده از این جلسه از حضور غیرمنتظره مردی عریان وسط جلسه و زنی در حال رقص برای بر هم زدن سخنان این افراد خبر می‌داد که در داخل هم به نام جریحه‌دار شدن افکار عمومی به‌ویژه قشر مذهبی با انتقادات و نارضایتی‌های بسیاری مواجه شد. برای همه شرکت‌کنندگان در این کنفرانس حکم احضار صادر شد و گروهی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس از جمله علی افشاری، اکبر گنجی، عزت‌الله سحابی، حسن یوسفی اشکوری، مهرانگیز کار پرونده‌هایی برایشان به جریان افتاد که در ابتدا به یوسفی اشکوری حکم اعدام و برای گنجی ۱۰ سال زندان صادر شد که در تجدیدنظر به ۷ سال و ۶ سال تبدیل شد. چند روز پس از آن قانون اصلاح مطبوعات به تصویب رسید و در همان روزها بود که رهبری نیز در سخنرانی نماز جمعه برخی از مطبوعات را پایگاه دشمن معرفی کردند. چند روز بعد از این حوادث و در ۴ اردیبهشت‌ماه بود که مطبوعات ایران با یک شوک بزرگ مواجه شد و «توقیف فله‌ای مطبوعات» به ادبیات رسانه‌ای و مطبوعاتی کشور اضافه شد. تنها در یک روز ۸ روزنامه و ۴ هفته‌نامه (عصر آزادگان، فتح، ایران فردا، آفتاب امروز، آریا، پیام آزادی، بامداد نو، گزارش روز، صبح امروز، مشارکت، آزاد و بیان) توسط قاضی مرتضوی توقیف شدند. تعداد نشریات و روزنامه‌های توقیفی در کمتر از یک هفته به ۱۸ مورد رسید. در توضیح چرایی این اتفاقات باید به زنجیره‌ای از حوادث که در طی سال‌های پس از پیروزی سیدمحمد خاتمی در دوم خرداد رقم خورده بود، اشاره کرد. قرار بود که مجلس ششم با پیروزی قاطع اصلاح‌طلبان کار خود را آغاز کند و «دوم خرداد» و پیروزی تاریخی محمد خاتمی در انتخابات ریاست‌جمهوری در آستانه سه‌سالگی بود. فضای رسانه‌ای و سیاسی کشور در انحصار کامل اصلاح‌طلبان بود، انتقادات و افشاگری‌های صریح و روشنی از حوادث تاریخی آن زمان از جمله حادثه کوی دانشگاه و قتل‌های زنجیره‌ای از سوی مطبوعات صورت گرفته بود. بهار مطبوعات در حال وقوع بود و روزنامه‌ها و نشریات، به‌عنوان اصلی‌ترین منبع تغذیه فکری و آگاهی‌رسانی در کشور مشغول به فعالیت بودند. اما به نظر می‌رسد این فضا چندان مورد پسند و حمایت همگانی نبود و مطبوعات با روزهای اوج خود خیلی زود خداحافظی کردند.

عکس: بهروز مهری

توقیف فله‌ای روزنامه‌ها در نگاه برخی سیاستمداران

محسن آرمین که آن زمان به‌عنوان نماینده تهران در مجلس ششم انتخاب شده بود، درباره فضای آن روزهای کشور و تعطیلی مطبوعات در مصاحبه‌ای که سال ۱۳۹۹ با نشریه دانشجویی ترنج انجام داده بود، اینگونه توضیح می‌دهد: «واقعیت این است که یک جناح نه‌تنها اراده‌ای برای آزادی بیان و مطبوعات و نظام حزبی و انتخابات و... نداشت، بلکه به هر علت یا دلیل، با آن به‌شدت مخالف بود. بگذارید از همین بستن مطبوعات خاطره‌ای برایتان بگویم. اگرچه فضای مطبوعات کشور، چه اصلاح‌طلب چه اصول‌گرا، در آن زمان قطبی بود، اما ما در آن زمان در سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی ایران احساس می‌کردیم این وضعیت در سطح مطبوعات اصلاح‌طلب باید تعدیل شود تا پروژه اصلاحات در فضای آرام‌تری بتواند پیش برود. بنابراین فکر کردیم باید هماهنگی‌هایی در سطح مدیران مسئول و سردبیران مطبوعات اصلاح‌طلب انجام شود که این وضع را مدیریت کند. آقای «نبوی» مسئول این کار شد و جلسات منظمی با مشارکت مدیران مسئول و سردبیران روزنامه‌های اصلاح‌طلب شکل گرفت. در آن جلسات، وضعیت موجود تحلیل می‌شد، برخی مطالبی که منتشر می‌شد مورد نقد قرار می‌گرفت و به این ترتیب امیدوار بودیم تا حدودی فضای حاکم بر مطبوعات اصلاح‌طلب را تعدیل کنیم. چند جلسه‌ای برگزار شد و نتایج خوبی هم داشت. آقای نبوی، آقای خاتمی را در جریان این اقدام گذاشت. آقای خاتمی هم در ملاقات با رهبری این مطلب را به اطلاع ایشان رساند. این که گفتید رهبری در نماز جمعه اردیبهشت سال ۱۳۷۹ گفتند «شنیده‌ام ایشان بعضی از این‌ها را جمع کرده‌اند و نصیحت کرده‌اند»، مربوط به همین ملاقات است. اما پس از سخن‌رانی ایشان، قوه قضائیه بلافاصله دست به کار شد و فردای آن روز، تعداد زیادی از روزنامه‌های اصلاح‌طلب را برخلاف قانون توقیف کرد؛ یعنی اجازه نداد تا آن ابتکار به نتیجه برسد. اگر واقعاً مخالفتی با آزادی مطبوعات وجود نداشت و مشکل فقط برخی تندروی‌ها در مقالات یا مواضع مطبوعات بود، این مشکل با ابتکاراتی نظیر آنچه در حال انجام بود، قابل تعدیل بود. اما چنان که گفتم، به نظر من مشکل این بود که بخشی از حاکمیت اساساً با آزادی بیان مشکل داشت، نه با برخی تندروی‌ها. مشکل آنان، اصل

گفتار مقامات

نباید کاری کنیم فراجا احساس کند خطا کرده است

غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، رئیس قوه قضائیه طی سخنانی در نشست شورای‌عالی قوه قضائیه، ضمن تبیین و تشریح ابعاد و جوانب مختلف مقوله بسیار مهمِ آسیب‌های اجتماعی، گفت: «در مقوله عفاف و حجاب، قوانینِ مدوّن و مشخصی از جمله «قانون حمایت از آمران به معروف و ناهیان از منکر»، «قانون مجازات اسلامی»، «مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی» و... وجود دارد؛ در این قوانین برای هر سه قوه و دستگاه‌های مختلف، از جمله وزارتخانه‌های کشور، آموزش‌وپرورش، آموزش‌عالی، ارشاد اسلامی و همچنین نهادهای تبلیغاتی و فرهنگی همچون سازمان تبلیغات و دفتر تبلیغات، مأموریت‌ها و وظایفی تعریف شده است؛ به تبع این امر، برای فراجا نیز در قوانین، وظایف و مسئولیت‌هایی در حوزه عفاف و حجاب مقرر شده است. قدر مسلم، چنانچه دستگاهی به وظایف قانونی خود در هر حوزه‌ای از جمله عفاف و حجاب، عمل نکرد و یا کم عمل کرد، این امر، رافعِ مسئولیت و وظایف دستگاه‌های دیگر نیست؛ فی‌المثل، پلیس نمی‌تواند بگوید، چون سایر دستگاه‌های مسئول در امر اقتصادی و معیشتی و فرهنگی به وظایف خود عمل نکرده‌اند، پس من هم در مقابله با جرم سرقت، به مسئولیت خود عمل نمی‌کنم!»

در رابطه با عفاف و حجاب؛ قانون داریم

رئیس دستگاه قضا تصریح کرد: «علاوه بر وظایف ذاتی و قانونی که فراجا در حوزه عفاف و حجاب، به موجب قوانین مختلف و مصوبات شورایعالی انقلاب فرهنگی دارد، در ستاد عفاف و حجاب نیز مأموریت‌هایی برعهده این نهاد گذاشته شده است؛ علاوه بر آنها، به موجب اتفاقات سال ۱۴۰۱ و بعد از آنکه در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و حوزه عفاف و حجاب رخ داد و مشخص شد که برخی از این موارد، با پشتیبانی دشمن است، مردم متدیّن و غیور و عَفیف ایران اسلامی، ناراحت و مکدّر شدند؛ فلذا از فراجا خواسته شد که طبق وظایف ذاتی و قانونی خود، در این عرصه ورود داشته باشد.»

در قانون مجلس هم پلیس باید ورود داشته باشد

محسنی‌اژه‌ای در بخش دیگر سخنانش تصریح کرد: «البته بدیهی است که در جلسات برگزار شده و مباحث مطرح‌شده، موکداً و مستمراً توصیه و تاکید می‌شود که نیروهای فراجا که در قضیه عفاف و حجاب مسئولیت دارند، بسیار در نحوه برخوردها مراقبت کنند و صبر و حوصله به خرج دهند و صفوف افراد فریب‌خورده یا غافل یا ضعیف در قیودات را از عناصر سازمان‌یافته‌ی دشمن جدا کنند. البته با همه این توصیفات و تفاسیر، ممکن است در صحنه و در میدان، اشتباه در تشخیص مصداق نیز پیش بیاید و نیروی فراجا نتواند عنصر سازمان‌یافته‌ی دشمن را از فرد غافل و فریب‌خورده، متمایز کند و یا ممکن است خدای ناکرده مأموری نیز مرتکب تخلف شود؛ خُب، مگر در سایر دستگاه‌ها، تخلف صورت نمی‌گیرد؟ چاره کار آن است که این تخلف و متخلف را اصلاح کنیم؛ البته عیبی ندارد که خیرخواهانه و دلسوزانه تذکر دهیم و انتقاد کنیم و بگوییم فلان اتفاق، رخ داده و باید رفع شود؛ اما نباید کاری کنیم که فراجا احساس کند کار خطایی کرده که در قضیه عفاف و حجاب وارد میدان شده و گویی از او خواسته نشده که وارد میدان شود. نباید نیروی حاضر در صحنه احساس کند که در میدان، او را رها کرده‌ایم. البته در اینجا باید توجه شود که اگر قانون مرتبط با عفاف و حجاب نیز که اکنون در مجلس است، نهایی شود، باز هم در بخشی از این قانون، پلیس باید ورود داشته باشد.»

مسائل معیشتی مردم و امنیت

رئیس قوه قضائیه در ادامه نشست امروز، با اشاره به روز ملی کارآفرینی، تاکید کرد: «در راستای تحقق شعار سال ناظر بر «جهش تولید با مشارکت مردمی» باید دست به دست هم دهیم تا بر افزایش تولید و سرمایه‌گذاری و تأمین امنیت سرمایه‌گذاری بیافزاییم؛ قطعاً افزایش قدرت اقتصادی و بهبود معیشت مردم سبب آرامش روان آن‌ها نیز می‌شود و به تبع آن از میزان بسیاری از آسیب‌ها و تنش‌ها و جرائم اجتماعی کاسته می‌شود. دولت در این عرصه باید خلاقیت و ابتکار به خرج دهد و از نیروهای متخصص و صاحب‌نظر بهره بگیرد و همکاری بیشتر میان قوا وجود داشته باشد. قطعاً اگر دنیا بفهمد که ما همچون مبحث امنیت در قضیه اقتصاد نیز قوی هستیم، به نحو دیگری با ما تعامل می‌کند و اگر احساس کند در این زمینه لَنگ هستیم، جور دیگری برنامه‌ریزی می‌کند و حتی ممکن است در صدد ضربه به ما برآید.»